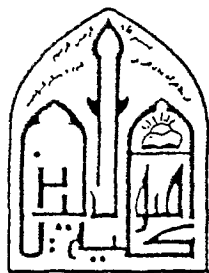


سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِ وَالْعَرْشِ الْمَجِيدِ

١١ ٣٣ ٣٣ ٣٣ ٢

الف



دانشکده اصول الدین

قم

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

بررسی و تحلیل روایات جری و تطبیق در المیزان

نگارش:

فرهاد طهماسب خانی

استاد راهنما:

دکتر سید محمود دشتی

استاد مشاور:

دکتر عبدالرضا زاهدی

سال تحصیلی: ۸۶-۸۵

نیمسال: دوم

۱۱۳۳۳۲

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۵

کتابخانه
دانشکده اصول الدین
قم

كلية اصول الدين
قم

قسم: علوم القرآن و الحديث

رسالة ماجستير

عنوانها

دراسة تحليلية لروايات الجري و التطبيق في «الميزان»

الاستاذ المشرف:

فضيلة الدكتور سيد محمود دشتي

الاستاذ المشاور:

فضيلة الدكتور عبدالرضا زاهدي

اعداد

فرهاد طهماسب خاني

السنة

١٣٨٦

ج

١٣٨٧ / ٢ / ٢٥

مكتبة جامعة آية الله العظمى
عمر الخيام

سپاسگزاری

«الْحَمْدُ لِلَّهِ خَلَقَ الْإِنْسَانَ وَعَلَّمَهُ الْبَيَانَ، الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»

بر خود فرض می‌دانم از همه اساتیدی که در طول دوران تحصیلات دانشگاهی ام در محضرشان تلمذ نموده‌ام، صمیمانه قدردانی نمایم. بویژه استاد راهنما جناب آقای دکتر دشتی استاد مشاور این رساله، استاد فرزانه جناب آقای دکتر زاهدی استاد مشاور این رساله، که مرا با تجربیات ارزشمند خویش بهره‌مند ساختند؛ همچنین از مسئولین محترم کتابخانه‌ای امام صادق علیه السلام و نیز از خانواده‌ام که با صبر و تحمل خویش مرا در تهیه این مجموعه یاری دادند، صمیمانه تشکر می‌کنم و از خداوند متان برای همه ایشان آرزوی سلامتی، توفیق و بهروزی دارم.

در پایان از خداوند متعال می‌خواهم به همه ما توفیق تحقق علمی و تحقق عملی عنایت فرماید.

ف - طهماسب خانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۱۱.....	کلیات
۲۲.....	فصل اوّل مروری کوتاه بر زندگی خانوادگی علامه
۲۴.....	تحصیلات و اساتید
۲۵.....	اساتید
۲۵.....	الف: در فقه و اصول
۲۶.....	ب: در فلسفه
۲۷.....	ج: در رجال و روایت
۲۷.....	د: در عرفان نظری و عملی
۲۹.....	بازگشت به وطن
۳۰.....	هجرت به قم
۳۳.....	شاگردان
۳۵.....	تألیفات

آشنایی با تفسیر المیزان	۳۸
«پانوشت‌ها»	۴۲
آشنایی با تفسیر البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن	۴۷
فصل دوم تعریف جری	۴۸
روایات جری	۵۰
دیدگاه عالمان درباره‌ی جری	۶۱
علامه طباطبایی و روایات جری	۶۵
فصل سوم روایات جری در تفسیر البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن	۶۷
سوره مبارکه حمد	۶۸
سوره مبارکه بقره	۷۳
سوره مبارکه آل عمران:	۸۹
سوره مبارکه نساء	۸۹
سوره مبارکه مائده	۱۰۰

سوره مبارکه انعام	۱۰۵
سوره مبارکه اعراف	۱۱۱
سوره مبارکه انفال	۱۱۲
سوره مبارکه توبه	۱۱۳
سوره مبارکه یونس	۱۱۴
فصل چهارم روایات جری در تفسیر المیزان	۱۱۶
سوره مبارکه حمد	۱۱۷
سوره مبارکه بقره	۱۱۷
سوره مبارکه نساء	۱۱۹
سوره مبارکه انعام	۱۲۰
سوره مبارکه اعراف	۱۲۱
سوره مبارکه انفال	۱۲۲
سوره مبارکه یونس	۱۲۳
سوره مبارکه رعد	۱۲۳

۱۲۵.....	سورة مبارکه ابراهيم
۱۲۶.....	سورة مبارکه نحل
۱۲۸.....	سورة مبارکه اسراء
۱۳۰.....	سورة مبارکه كهف
۱۳۳.....	سورة مبارکه انبياء
۱۳۴.....	سورة مبارکه حج
۱۳۵.....	سورة مبارکه نور
۱۳۶.....	سوره مبارکه قصص
۱۳۸.....	سورة مبارکه صافات
۱۳۸.....	سورة مبارکه زمر
۱۴۰.....	سورة مبارکه فصلت
۱۴۱.....	سوره مبارکه احقاف
۱۴۱.....	سورة مبارکه قمر
۱۴۲.....	سورة مبارکه صف
۱۴۳.....	سورة مبارکه ملك

سورة مبارکه انسان.....	۱۴۳
سورة مبارکه لیل.....	۱۴۴
فصل پنجم دسته بندی روایات جری.....	۱۴۵
۱- تعابیر عام:.....	۱۴۶
۲- عناوینی که به انسان اختصاص ندارد:.....	۱۵۱
۳- قضایای حقیقه:.....	۱۵۴
۴- داستان‌ها.....	۱۵۶
۵- تقطیع از سیاق:.....	۱۵۸
۶- تشبیه‌ها.....	۱۵۸
جمع بندی دیدگان علامه طباطبائی در خصوص روایات جری.....	۱۶۰
منابع.....	۱۶۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

نظر به اینکه اهل بیت علیهم السلام طبق آیات قرآنی و روایات صادره از سوی پیامبر ﷺ، عدل و همتای قرآن معرفی شده‌اند و از سوی دیگر همچون جان پیامبر ﷺ و پاره تن آنحضرت معرفی گردیده‌اند.

لذا رسالتی را که پیامبر ﷺ در تبیین و شرح و توضیح قرآن کریم عهده‌دار بوده‌اند، به ایشان سپرده شده است و تنها راه رسیدن به مقصود و مراد خداوند رجوع به کلام معصومین علیهم السلام می‌باشند هر چند که خود ائمه قائل به جواز تفسیر بوده‌اند، ولی شناخت واقعی قرآن کریم و فهم زبان قرآن و نوع سخن گفتن و احتیاجات این کتاب مقدس بدون رجوع به این خانواده که خانه آنها مهبط وحی و محل رفت و آمد فرشتگان بوده ناممکن است.

به طور قطع امامان معصوم علیهم السلام دیدگاه خاصی به قرآن و علوم قرآنی که مقدمه فهم این کتاب عزیز است داشته‌اند و با توجه به شرایط خاص زمانی به طرح دیدگاه‌های خویش در خصوص مسائل مختلف علوم قرآنی پرداخته‌اند و این مسأله در کتب روایی و تفاسیر روایی بصورت پراکنده موجود است که در این رساله سعی می‌شود تا با جمع‌آوری و جمع‌بندی این روایات به این پرسش پاسخ داده شود که نوع نگرش و تلقی

معصومین از علوم قرآنی و قرآن چه بوده است؟

از حقایق مسلم و تردیدناپذیر قرآن، در مکتب تفسیری اهل بیت علیهم السلام اعتقاد به بطون و مفاهیم ژرف برای آیات قرآن است که از نگاه رهبران این مکتب مهمترین و غنیترین قسمت معانی قرآن را تشکیل می‌دهد.

فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام پرسید معنای این روایت چیست: «هیچ آیه‌ای از قرآن نیست مگر آنکه ظاهر و باطنی دارد. امام پاسخ فرمود: ظاهر قرآن تنزیل آن و باطن آن تأویل آن است که قسمتی از آن سپری شده و بخشی از آن هنوز تحقق نیافته است و جاری است بسان خورشید. آنچه که از تأویل آمده، همان گونه که مردگان را شامل است زندگان را نیز در بر می‌گیرد.

جری به معنی جریان داشتن، تعبیری است که ائمه در روایات خود برای استمرار پیام قرآن در همهٔ زمانها به کار برده‌اند و فرموده‌اند که قرآن همچون ماه و مهر و شب و روز در جریان است. از دیر باز پاره‌ای از مفسران شیعی برای توضیح پیوندی که دسته‌ای از روایات بین آیات قرآن و ائمه برقرار کرده‌اند، معمولاً در مقدمه تفسیر خود به روایات جری اشاره کرده‌اند.

روایاتی که در مبحث جری، مورد استفاده قرار می‌گیرند به لحاظ کاربرد تعبیر جری در مورد آنها مختلفند.

در برخی از آن واژه‌ها جری صریحاً به کار رفته است و توضیح داده شده است که

مراد از آن استمرار پیام قرآن برای همهٔ زمانهاست و نه محدود کردن آن به افراد معینی که در عصر نزول وجود داشته‌اند.

روایات این باب خود دوگونه‌اند؛ در برخی جری و استمرار داشتن قرآن، همان باطن قرآن معرفی شده است و در برخی روایات صرفاً واژهٔ جری به کار رفته است و استمرار خطاب قرآن به مصادیق جدید در هر دوره مورد تأکید قرار گرفته است. آنچه از روایات جری بدست می‌آید این است که نباید آنچه را که در قرآن دربارهٔ قوم یا گروهی آمده تنها به همانها اختصاص داد، بلکه هر کس که با همان صفات و ویژگی باشد مشمول حکم آیه خواهد بود، البته در روایات توضیحی نمی‌توان یافت که این حکم شامل کدام آیات است، آیا تنها شامل آیاتی می‌شود که در آنها تعبیر عام بکار رفته؟ یا اینکه حتی اگر مشخصاً اسم فرد خاص یا قوم معینی هم از مردمان عصر نزول یا اقوام پیشین آمده باشد باز هم می‌توان آن را به دیگران تعمیم داد. توضیح این مطالب را می‌توان در برخی روایات یافت، اما در این روایات، دیگر تعبیر جری بکار نرفته است و روایات جری به تنهایی، صرفاً به استمرار خطاب و پیام قرآن و عدم اختصاص آیه به اسباب نزول دلالت دارد و فراتر از آن را باید در روایات دیگر جست.

با توجه به روایات نسبتاً زیادی که به طریق مختلف از ائمه رسیده و آیات قرآنی را بر اساس قاعده جری و تطبیق بر اهل بیت یا دشمنان ایشان عمل کرده‌اند، برخی از نویسندگان اهل سنت با تاختن بر تفاسیر شیعه آنها را تجلیگاه نگرش حزبی و فرقه‌ای

دانسته‌اند، و تنها مفسری که با درایت تمام و استفاده به قاعده جری و تطبیق به دفاع از این دسته روایات پرداخته، مرحوم علامه طباطبایی است.

ایشان در ذیل آیه شریفه «اهدنا الصراط المستقیم» که به حضرت امیر تطبیق شده، چنین آمده است: این اخبار از قبیل «جری» و شمارش مصداق برای آیه است و بدان که جری اصطلاحی است که از فرمایش ائمه گرفته شده است و این سلیقه ائمه هدی علیهم‌السلام است که قرآن را به مواردی که قابل انطباق بر آن است هر چند خارج از مورد نزول باشد، به شرط سازگاری آن با اعتباری عقلی، تطبیق می‌کند، زیرا قرآن برای هدایت جهانیان فرو فرستاده شده است... و آنچه از معارف نظری که در قرآن آمده اختصاص به حال یا زمان خاص ندارد؛ و آنچه از فضیلت یا رذیلت ذکر می‌کند یا حکم عملی را تشریح می‌کند به فرد یا عصر خاصی مقید نمی‌باشد، زیرا تشریح فراگیر است.

جناب علامه طباطبایی در یک دسته بندی کلی روایاتی را که آیات قرآن را درباره

ائمه به عنوان جری بیان کرده‌اند بدین ترتیب بیان می‌فرماید:

۱- تعابیر عام؛ یعنی آیاتی که بصورت عام بیان شده است.

۲- عناوینی که به انسان اختصاص ندارند.

۳- قضایای حقیقیه.

۴- داستانها.

۵- تقطیع از سیاق.

۶- تشبیه‌ها.

و همچنین روایاتی که دربارهٔ غیر ائمه به عنوان جری می‌توان نام برد، با همان تقسیم‌بندی شش‌گانهٔ فوق قابل بررسی می‌باشد.

مرحوم علامه در موارد بسیاری با چنین روایاتی ضمن آنکه فراوان از جملهٔ «لیس من التفسیر فی شیء» استفاده می‌کند افزوده‌اند: «هو من قبیل الجری» و در برخی موارد افزوده‌اند: «أو البطن» که این تغییر نشانگر جدا بودن تفسیر از جری است.

با توجه به توضیحات بیان شده «جری و تطبیق» را می‌توان چنین تعریف کرد: «جری و تطبیق»، انطباق آیه است بر اساس همسانی معنایی بر مصداق‌های خارجی موجود، اعم از افراد و وقایع.

بنابراین، جری اصطلاحی است برگرفته از روایات که برخی از مفسران به ویژه علامه طباطبایی بدان توجه زیاد کرده‌اند و در حل گرهٔ بسیاری از روایات تفسیری بکار بسته‌اند.

از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمودند: «لَوْ أَنَّ الْآیَةَ نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ ثُمَّ مَاتَ أَوْلَادُ الْقَوْمِ مَاتَتِ الْآیَةُ لَمَّا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ وَلَكِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي أَوَّلُهُ عَلَى آخِرِهِ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ يَتْلُونَهَا هُمْ مِنْهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ» (تفسیر عیاشی ۱/۱۰).

همچنین امام باقر علیه السلام در پاسخ به کسی که پیرامون روایت نبوی «ما فی القرآن آیه

الْبَاطِنِ وَ الظَّاهِرِ وَ بَطْنِ

سؤال کرد، فرمودند: «ظهوره تنزیله و بطنه تأویله، منه ما قد رضی و منه ما لم

یکن، یجری کما یجری الشمس و القمر» (بحار الانوار، ۹۷/۹۲)

از این دو روایت نکاتی بدست می‌آید که برای تبیین معنای جری و تطبیق کارساز

است.

۱- بسیاری از آیات قرآن در بیان حالات امت‌های گذشته و اشخاص خارجیه است،

داستان امت‌های پیش از اسلام همچنین داستان حوادث مسلمانان در عصر نزول قرآن از

نمونه‌های آن است.

۲- نزول این دسته از آیات برای اقوام پیشین، به معنای جمود آیات در همان اقوام

نیست، بلکه هر قومی که تا روز قیامت ظاهر گردد، اگر جزء نیکوکاران باشد آیات خیر

شامل ایشان می‌گردد و اگر از جمله زشت کاران باشد مشمول آیات شرّ می‌باشد.

۳- فلسفه چنین نگرشی پرهیز از جمود قرآن به حوادث پیشین، باورمندی به حیات

و جاودانگی قرآن است، چنانکه امام باقر علیه السلام، هشدار داده‌اند.

۴- دو روایت فوق و روایاتی نظیر آن، ضمن تأکید به جاودانگی و فرا زمانی بودن

قرآن، بر پویایی و تازگی آن و پاسخگویی به پرسش‌های هر نسل و عصری پافشاری

دارد.

چنانکه از روایت امام باقر علیه السلام مستفاد است، جری و تطبیق از حوزه تنزیل خارج

بوده و مربوط به حوزه تأویل است.

مبنای چنین تأویلی: وحدت معنایی و تكثر مصداقی است به این معنا که با استناد به اصل «العبرةُ معجوم اللفظ لخصوص المورد» گرچه ممکن است ظاهر آیه در خصوص مصداق و مورد خاص باشد، اما به خاطر وحدت ملاک و مناط، همین آیه می‌تواند به مصادیق و موارد دیگری قابل تطبیق باشد. به عنوان مثال در روایتی از امام باقر علیه السلام پیرامون آیه شریفه «الذین أخرجوا من ديارهم بغير حقٍ الا ان يقولوا ربنا الله...» چنین فرمودند: «نزلت في المهاجرين و جرت في آل محمد الذین أخرجوا من ديارهم و اخيفوا».

می‌بینیم که چگونه امام علیه السلام از واژه جری در تطبیق آیه‌ای که درباره حوادث و اقوام پیشین آمده بر آل محمد بهره گرفته است و جری را با نزول فرق نهاده است.

جمله «الذین أخرجوا من ديارهم و اخيفوا» بیانگر ملاک و مناط این جری است به این معنا که اگر از مهاجرین به خاطر رانده شدنشان از کاشانه، به عظمت و مظلومیت یاد شده، این مطلب اختصاص به ایشان ندارد. هر فرد یا امتی که مظلومانه و به خاطر دفاع از حق و حقیقت از دیار خود رانده شود، مشمول این آیه خواهد بود. بنابراین اگر چه معنای اخراج از دیار واحد است اما مصادیق آن می‌تواند متعدد باشد. با چنین نگرشی قرآن پویایی و حیات می‌یابد و برای رهنمونی مشکلات روز آمدها، کار آمد جلوه خواهد کرد.

در همین راستا (جری) در تاریخ عاشورا می‌خوانیم که سیدالشهداء علیه السلام به هنگام

ترک مدینه آیه شریفه «فخرج منها خائفاً يترقب قال رب نجني من القوم الظالمين»

(قصص ۲۱/۲۸) و به هنگام ورود به مکه آیه شریفه «ولمّا توجّه تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل» (قصص ۲۲/۲۸) را ترنم داشت. این آیات برحسب مورد مصداق و نزول به گریز حضرت موسی علیه السلام از مصر در اثر ستم قبطیان به ایشان و نیز ورود بر دیار مدین است. در کلام امام حسین علیه السلام بر اساس قاعده جری و تطبیق به هجرت ایشان از مدینه در اثر ستم عمّال یزید انجام یافته و نیز ورود ایشان به مکه به عنوان دیار امن و امان تأویل بوده شده است.

طرح تحقیق:

* تبیین مفاهیم و واژگان

الف: علوم قرآن

ب: جری و تطبیق

ج: ظهر و بطن

د: تنزیل و تأویل

: تاریخچه جری و تطبیق

* سوالات اصلی و فرعی تحقیق

- ۱- مراد از به کار بردن واژه جری در روایات چیست؟
- ۲- آیا تنها روایاتی که واژه جری در آنها به کار رفته به معنای استمرار خطاب قرآن می باشد؟
- ۳- امامان معصوم علیهم السلام چه آیاتی را به معنای جری به کار برده اند.
- ۴- آیا انطباق آیاتی که قاعده جری بر آنها جاری شده فقط شامل اهل بیت علیهم السلام می شود؟
- ۵- رابطه جری با تأویل چیست؟
- ۶- چه تفاوتی بین جری و تأویل و تفسیر قرآن وجود دارد؟

* معرفی متن یا متون مورد تحقیق

بررسی روایات جری و تطبیق در کتاب شریف المیزان

* پیشینه تحقیق:

* اهمیت موضوع:

جمع آوری روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام در خصوص انطباق برخی آیات بر اهلبیت علیهم السلام صادر شده و نیز ارائه معنا و مفهوم درستی از واژه جری و تطبیق و دسته بندی آیات قرآنی در این زمینه و نیز پاسخ به شبهه مخالفان اهلبیت علیهم السلام که با تاختن به تفاسیر شیعه آنها را تجلیگاه نگرش حزبی و فرقه ای دانسته اند.

اسباب نزول و جری و تطبیق

دانشمندان علوم اسلامی در تعریف اسباب نزول گفته‌اند:

سبب النزول هو ما نزلت أو الآيات محدثة عنه أو مبینة بحکمه ایام و قوعه:

سبب نزول به حادثه‌ای گفته می‌شود که همزمان با نزول وحی روی داده و آیه یا آیات به

گزارش آن پرداخته‌اند یا حکم آنرا بیان کرده‌اند!^(۱)

در تعریف اسباب نزول به دو قید تأکید شده است:

اول: همزمانی این رویدادها با زمان نزول قرآن که در این صورت تاریخ امت‌های

پیشین از دایره اسباب نزول آیاتی که آنها را گزارش می‌کند بیرون می‌رود، مانند اقوام

ابرهه برای تصرف و تخریب کعبه که سبب نزول سوره فیل قلمداد نمی‌شود.

دوم: تأخر نزول آیه از واقعه؛ بدین معنا که حوادثی را می‌توان سبب نزول تلقی کرد که

آیات پس از آن بی‌درنگ یا با کمی فاصله نازل شوند، بنابراین وقوع حادثه‌ای پس از نزول

آیه یا در پی تحقق فرمان آیه سبب نزول تلقی نمی‌شود.

از نظر عموم محققان اسلامی تنها راه دستیابی به اسباب نزول روایات می‌باشند

تشخیص روایات اسباب نزول از میان روایات متعددی که آیات را با حوادث مختلف پیوند

می‌دهند و در واقع در صدد بیان مصادیق آیات هستند و نه اسباب نزول معیارهایی دارد

۱- محمد عبدالعظیم الزرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن . بیروت دار الکتب العلمیه، ج ۱، ص ۱۰۸